

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان مریوان
دبیرستان استعدادهای درخشان شهید بهشتی

رشته: متوسطه اول

پایه: هشتم

نوبت: دوم

متن املای تقریری

روزگار دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن به سوی ساحل مقصود می‌رود. این دریای بزرگ، همیشه در جزر و مد است. اگر امروز آرام باشد، مسلماً فردا توفانی خواهد شد بنا بر این وقتی آرام است، فرصت را غنیمت بشمارید. بسا اشخاص که در نتیجه‌ی غفلت از گذر عمر استفاده نکردند و به اعماق این دریا فرو رفتند.

سردار لبخندی زد. آرام شد و زیر لب شعر حافظ را زمزمه کرد. شعر و نقاشی کار خود را کرده بود. کمال الدین بهزاد به سردار نزدیک شد و پارچه را از روی زخم وی گشود. سردار گفت: آفرین بر قلم سحرآمیزت! من درد را فراموش کردم. نقاشی تو طبیب زخم‌های ماست.

حاصل ماه‌ها پشت در نشستن و از سرما لرزیدن و دزدکی به درس گوش دادن، دانش دست و پا شکسته‌ای بود که اندک اندک در قلک ذهنش جمع شده بود.

جوانه دهان خشکش را باز کرد تا چیزی بگوید اما اندوه تشنگی و خستگی راه، او را از پای درآورده بود. سرش را روی زانوی سنگ گذاشت و بی حال و خسته به خواب رفت. یکی از آسیب‌های جدی جامعه ماشینی و آراسته به علم و فن، استفاده نا به جا و نسنجیده از امکاناتی است که فراهم آمده است. گویی هریک ابزاری شده اند تا ما را از هویت اصلی خویش دور سازند.

با قدرت خیال خود به آینده بروید. چه تصویری از آینده‌ی خود دارید؟ حتماً در آن تصویر رؤیایی، به زندگی شیرین و موفق می‌اندیشید. به شغل خوبی فکر می‌کنید که درآمندی عالی نصیب شما می‌کند. به احترام و اعتباری که برای خود کسب کرده اید، می‌اندیشید.

به مورچه و کوچکی جثه‌ی آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه‌ی انسان درک نمی‌شود.

طراح: بهرامی